

بیانیه شبکه فرشگرد؛ آغاز مرحله‌ای دیگر از کنشگری در چارچوب حزب ایران نوین

در روزهای آغازین زمستان ۱۴۰۱ بسر می‌بریم. در کوران انقلابی ملی که ایران را فروزان کرده است. داغ جوانان میهن و اندوه نبود آنان در فردای آزادی اگرچه بر دل ما سخت سنگین است، ایمان به یقین قاطبه‌ی ایرانیان که خون جوانان هدر نخواهد شد، تسلی‌بخش ماست. همای سعادت دگرباره بر دوش کشور خواهد نشست و خورشید خوشبختی به افق ایران باز طلوع خواهد کرد. ما به این وعده جاویدنامان، ایمان داریم که ایران از چنگ انیرانیان باز پس گرفته خواهد شد.

در شبکه فرشگرد ما اما دلیلی دیگر نیز داریم که این روزها را با شوقی دوچندان به نظاره بنشینیم؛ چه آنکه شاهدیم که هر آنچه که در شهریور ۱۳۹۷ برای تحقق یا تقویت آن به تاسیس شبکه فرشگرد دست یازیده بودیم و در بیانیه‌های نخستین روی آن تاکید کرده بودیم اکنون عملاً یا برآورده شده است یا به صورت بی‌سابقه‌ای گسترش یافته است و فضای کشور را در نوردیده است.

در شهریور ۱۳۹۷ و تنها به فاصله چند ماه از نقطه عطف انقلاب ملی ایران در دی ماه ۱۳۹۶، در بیانیه اعلام موجودیت شبکه فرشگرد تاکید کرده بودیم که ما آمده‌ایم که به «توطئه سکوت» علیه براندازان پایان دهیم. ما گفته بودیم در حالیکه خیزش دی ماه ۹۶ خواست براندازی جمهوری اسلامی را فریاد زد اما: « هر دو جناح اصولگرا و اصلاح‌طلب این فرقه، به پشتوانه پول نفت و با هدف حفظ "سفره انقلاب"، جمع کثیری از روزنامه‌نگاران و تحلیل‌گران و لابی‌گران را در داخل و خارج کشور در استخدام خود دارند و با تمام توان می‌کوشند تا صدای براندازان به گوش جهانیان نرسد و خواسته‌های به حق آنها مورد حمایت جامعه جهانی قرار نگیرد. از این‌رو، ما به عنوان جمعی متکثر از مخالفان جمهوری اسلامی آمده‌ایم تا در حد توان‌مان به این توطئه سکوت پایان دهیم و صدای براندازانه و خواهان تغییر ملت ایران را در چهارگوشه جهان انعکاس دهیم و پژواکی باشیم برای آن فریادی که در خیابان‌های ایران طنین‌انداز شده است: "ایران را پس می‌گیریم"».

و اکنون با کمال مسرت شاهد هستیم که بر این توطئه سکوت، مهر ابطال نهاده شده است. در آذر ۱۴۰۱ موج بزرگ پذیرش کفالت سیاسی مبارزان زندانی در ایران، پارلمان‌های اروپایی را در نوردیده است و در اقدامی بی‌سابقه، ۱۸۳ نماینده پارلمان اتریش، کفالت سیاسی ۱۸۳ مبارز زندانی در ایران را بر عهده گرفته‌اند. کار به حمایت‌های حقوق بشری متوقف نمانده است و شاهد آن هستیم که نمایندگان پارلمان‌های اروپایی صراحتاً از ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی سخن می‌گویند.

این پیروزی بزرگ ملت ایران در افکار عمومی جهان و مهر پایان بر توطئه سکوتی که لابیگران رژیم سال‌ها در تلاش برای ترویج آن بودند، بدست نیامد مگر به همت خود ملت ایران از آغاز انقلاب در آبان ۱۳۹۵ تاکنون. شبکه فرشگرد نیز خود را بخشی از این مسیر سخت ولی پرافتخار می‌داند و به خود می‌بالد که در راستای بازتاب صدای ملت ایران، برای نخستین‌بار در تیرماه ۱۳۹۸ گردهمایی بزرگ اعتراضی علیه گروه نایاک در مقابل دفتر این گروه در واشنگتن دی‌سی ترتیب داد تا جمعی بزرگ به نمایندگی از ایرانیان یکصدا فریاد بزنند: «نایاک صدای ایرانیان نیست».

امروز که سه سال پس از آن روز، تشت رسوایی لابیگران و خون‌شوران رژیم کاملاً از بام افتاده است و این گروه‌های مستقر در غرب از بی‌آبروترین گروه‌های تاریخ معاصر ایران اند، تمایل داریم یادآور نامه‌ای به رییس‌جمهور وقت آمریکا باشیم که در دی ۱۳۹۵، جمعی از ما هموندان شبکه فرشگرد پای آن را امضا کرده بودیم. نامه‌ای که به نامه ۳۰ نفره به ترامپ مشهور شد. در آن نامه صراحتاً خواستار اعمال یک «رژیم جامع تحریم» علیه مقامات جمهوری اسلامی و گسترش تحریم‌ها علیه سپاه پاسداران و امپراتوری مالی آیت‌الله خامنه‌ای شده بودیم و تأکید کرده بودیم که خواستار آن هستیم که دولت آمریکا: «با رفتار مخرب سپاه پاسداران در منطقه، در تمام جبهه‌ها و با تمام ابزارهای موجود مقابله کند».

این یادآوری را از آن رو دارای ضرورت می‌دانیم که به یاد ملت بزرگ ایران بیاوریم که ما از پیش از اعلام موجودیت فرشگرد بر آن عهده بودیم که با آرمان ملی ایرانیان برای رهایی از جمهوری اسلامی بسته بودیم، و علی‌رغم حملات مداوم از سوی کنشگران سیاسی تنزه‌طلب و میانه‌جو یا نایاکی و نایاکی‌منش، تنهایی سیاسی خود را نه تنها تاب آوردیم بلکه با تاسیس شبکه فرشگرد نیز در راستای تعمیق و هر چه بیشتر کانالیزه کردن این خواست‌های ملی کوشیدیم و در افکندن طنین آن در فضای رسانه‌ای تلاش کردیم.

این خواست ملی اکنون با رادیکال‌ترین شعارهای ممکن علیه سپاه اوباش انقلاب اسلامی و دستگاه فاسد علی خامنه‌ای، به شیواترین حالت از سوی خود ملت در خیابان‌های ایران سرداده می‌شود و خوشبختانه و برخلاف دی ۹۶ بازتاب لازم در فضای جهانی را نیز پیدا کرده است. خوشوقت هستیم که صدا و نگاه ما دیگر تنها نیست و بسیاری از منتقدان و مخالفان دیروز ما، همراهان و موافقان امروز ما هستند.

در بیانیه نخستین خود در شهریور ۱۳۹۷ مسیر سرافرازی ملت ایران را یادآور شده بودیم و گفته بودیم: «گام نخست اصلاح امور در ایران، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است. به باور ما سرنگونی جمهوری اسلامی از طریق اعتصابات گسترده، تظاهرات سراسری و مبارزات مدنی، هم ممکن است و هم مطلوب و هم تنها گزینه برای حفظ ایران».

خوشبختانه اکنون تظاهرات سراسری نه تنها محقق شده است و اعتصابات سراسری سه روزه در آبان ۱۴۰۱ نه تنها تجربه شده است، بلکه اکنون سخن بر سر چگونگی تکرار اعتصابات سراسری و گسترش آن در کنار پیشبرد اعتراضات انقلابی است.

در بیانیه نخستین خود از انقلاب ۱۳۵۷ به عنوان «انقلاب مرتجعانه» یاد کرده بودیم و یادآور شده بودیم که در شبکه فرشگرد: «با اسلام سیاسی و ایدئولوژی‌های کمونیستی (ارتجاع سرخ و سیاه) مرزبندی مشخص داریم و معتقدیم این ایدئولوژی‌ها، در گذشته، حال و آینده ایران، زیانبار و ویرانگر بوده‌اند و خواهند بود».

به یاد شما ملت بزرگ ایران می‌آوریم که کاربرد عبارت ارتجاع سرخ و سیاه که برگرفته از سخنرانی‌های محمدرضاشاه پهلوی علیه آخوندهای اسلامگرا و کمونیست‌های بی‌وطن بود، موجی از واکنش‌های منفی را از سوی «تحلیلگران» و فعالان سیاسی علیه ما برانگیخت. اما امروز این ملت ایران هستند که در همان نخستین روزهای خیزش انقلابی ۱۴۰۱ در تهران فریاد زدند: «فتنه ۵۷ / عامل هر فلاکت».

در بیانیه نخستین در شهریور ۱۳۹۷ نقش کلیدی شاهزاده رضا پهلوی در گذار از جمهوری اسلامی را یادآور شده بودیم و گفته بودیم: «ما به نقش کلیدی و محوری شاهزاده رضا پهلوی در اتصال همه بخش‌های جامعه ایران و اتحاد مخالفان سکولار-دموکرات جمهوری اسلامی باور داریم و معتقدیم در دوران گذار، حضور وی در میانه

میدان، کمک شایانی خواهد بود به همبستگی ملی، حفظ کیان و یکپارچگی کشور و گذار آرام و سالم از نظام مستبد دینی به حکومتی دموکراتیک و سکولار».

حقانیت این بند از بیانیه ما نیز آنجا خود را بیشتر نشان می‌دهد که می‌بینیم طی این مدت، نقش رهبری شاهزاده رضا پهلوی بیشتر و بیشتر مورد تایید قاطبه جامعه ایران قرار گرفته است. در همین خیزش انقلابی ۱۴۰۱ و طی شهریور تا آذر ۱۴۰۱، شعارهای پهلوی‌گرایانه از هرمزگان تا مازندران و از آذربایجان تا بلوچستان طنین‌انداز شد و در خیابان‌های تهران، بر در و دیوار و بلندی‌های شهر شعارهایی نوشته می‌شوند و بنرهایی بر فراز می‌شوند که خواهان بازگشت شاهزاده رضا پهلوی به میهن اهورایی هستند.

طی این مدت کنشگران سیاسی و مدنی نیز به جایگاه منحصر بفرد شاهزاده رضا پهلوی در پیشبرد مبارزه علیه جمهوری اسلامی بیش از پیش واقف شده‌اند و رهبری ایشان را کمک بزرگی برای ایجاد همبستگی ملی برای مقابله با جمهوری اسلامی و نیز حفظ ثبات در روند برانداختن جمهوری اسلامی می‌دانند.

چنانکه در اسفند ۱۳۹۹ بود که پس از بیش از دو سال تلاش و در ادامه گفتگوها و رایزنی‌ها با دیگر فعالان و گروه‌های سیاسی، کمپین بزرگ «نه به جمهوری اسلامی» راه افتاد که از پشتیبانی تمام‌قد شاهزاده رضا پهلوی نیز برخوردار شد. شبکه فرسگرد نیز افتخار آن را داشت که تمام توان تشکیلاتی خود را از همان ابتدا پشت این کمپین بزرگ قرار دهد. کمپینی که توانست به پشتوانه خاستگاه ملی و حمایت شاهزاده رضا پهلوی که امضای خود را نیز پای آن قرار دادند، حمایت صدها چهره برجسته هنری، سیاسی، مدنی، فکری را نیز جلب کند.

شاهزاده رضا پهلوی در آذر ۱۴۰۱ نیز ضمن تاکید بر سه اصل بنیادین «حفظ تمامیت ارضی»، «دموکراسی سکولار» و «رفراندوم تعیین نوع نظام» از سازمان‌های سیاسی مخالف جمهوری اسلامی خواست گرد هم آیند و پیرو اتحاد مردمی در درون کشور، آنان نیز اتحاد و ائتلاف خود را بر پایه این اصل شکل دهند.

درخواستی بنیادین و درخور توجه، که بایسته است گروه‌های سیاسی درون‌مرز و برون‌مرز در راستای آن فعالیت‌های خود را شکل دهند و با اعلام حمایت از شاهزاده رضا پهلوی، انسجام فعالیت‌های خود را در این مسیر ملی پی گیرند. چنانکه می‌توان به جبهه ۷ آبان اشاره کرد که در راستای هماهنگی میان فعالیت‌های گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی سامان یافته است و جمعی از اعضای شبکه فرسگرد نیز از آغاز تاسیس این جبهه در آن حضور داشته‌اند. ما بسیار امیدوار هستیم که جبهه ۷ آبان بتواند پلتفرم ارتباطی میان گروه‌های سیاسی باشد و جبهه‌ای متکثر و گسترده مقابل رژیم اسلامی ایجاد کند.

یک ماه پس از بیانیه نخستین خود در شهریور ۱۳۹۷، ما بیانیه‌ای به نام «بیانیه میدان میلیونی» را در مهر ۱۳۹۷ بیرون دادیم و در آن نخستین بار از ایده «میدان میلیونی» سخن به میان آوردیم. در آن بیانیه تاکید کرده بودیم که علی‌رغم وجود نارضایتی بالا در جامعه ایران، پیش‌درآمد سرنگونی جمهوری اسلامی، «آماده‌سازی فضای ذهنی جامعه» است و در آنجا از هم‌میهنان دعوت کرده بودیم در هر فرصتی و در هر مکانی از «میدان میلیونی» سخن برانند. چه آنکه تجربه دیگر کشورها به ما نشان داده است که یکی از شروط بسیار پراهمیت براندازی رژیم‌های توتالیتر و تمامیت‌خواه، «برپایی تحصن‌های میلیونی در میدان‌های اصلی» بوده است.

در آن بیانیه تاکید کرده بودیم: «هدف این است که میدان میلیونی به موضوع اول گفتگوی ایرانیان در رسانه‌های دیداری و شنیداری و اینترنتی، خانه‌ها و مغازه‌ها، کلاس‌های درس مدارس و دانشگاه‌ها، و کارگاه‌ها و کارخانه‌ها تبدیل شود». و یادآور شده بودیم که که وقوع میدان میلیونی به همدلی و همراهی میلیون‌ها ایرانی نیاز دارد.

در این راه، برای گسترش این ایده چنین گفته بودیم: «در هفته‌ها و ماه‌های پیش رو، تمام تلاش ما به گسترش ایده میدان میلیونی معطوف خواهد بود. این کار به طور هم‌زمان در شبکه‌های مجازی و نیز از طریق اسکانس نویسی، دیوارنویسی، چاپ و توزیع اطلاعیه صورت خواهد گرفت».

و اکنون شاهد آن هستیم بحث دیگر بر سر ضرورت میدان میلیونی نیست بلکه بحث بر سر زمان تشکیل آن است. این کامیابی بزرگ محقق نمی‌شد مگر به فداکاری جوانان مبارزی که فداکارانه، و علی‌رغم سیطره و سلطه پاسداران ضحاک بر کوچه و خیابان، در و دیوار شهر و روستا را آکنده از ایده میدان میلیونی کردند و شعارهای براندازانه و همسو و هم‌راستا با این ایده محوری را بر اسکانس‌ها و اطلاعیه‌ها نگاشتند و پراکندند.

آری! خوشوقت و سربلند هستیم که خدمتگزار ملت در این مسیر صعب و دشوار بودیم. خوشحالیم که به عهد خود در ۴ سال فعالیت فرشگرد پایبند بودیم و علی‌رغم تلاش پامردان دیو و بایکوت نسبی رسانه‌ای از سوی رسانه‌های فارسی‌زبان لندن، توانستیم از امکانات موجود بهره گرفته و در قالب کمپین‌هایی چون «تحت تعقیب»، «پشت به دشمن، رو به میهن»، «بیشماریم»، و نیز در قالب نامه‌هایی به کشورهای عضو سازمان ملل، نخست‌وزیری اسرائیل، کشورهای اروپایی حاضر در مذاکرات اتمی، دولت وقت آمریکا، سازمان پزشکان بدون مرز، صندوق بین‌المللی پول، در حد توان خود بازتاب صدای ملت در چارچوب فضای کنشگرانه طی این چهار سال باشیم.

اکنون می‌بینیم که آنچه که ما در پی آن بودیم و جویای تحقق آن، به تاسیس شبکه فرشگرد دست زده بودیم، در خیابان‌های ایران و رسانه‌های جهان به بهترین وجه نمایان است. عزم براندازی در ملت ایران راسخ است؛ میدان میلیونی دیگر ایده‌ای دوردست نیست؛ ماله‌کشان جمهوری اسلامی بیش از پیش منفور شده‌اند؛ لابیگران رژیم بیش از پیش بی‌آبرو هستند؛ و مهم‌تر از همه توطئه سکوت علیه براندازان پایان گرفته است و جهان صدای ملت ایران را شنیده است.

همیشه بر این باور بودیم که مرکز ثقل تغییرات در درون ایران است و اکنون که صدای ایرانیان درون کشور در جهان طنین افکنده است ما نیز بایستی به فراروی از رویکرد کنشگرانه در قالب شبکه فرشگرد بیندیشیم و به مرحله‌ای فراتر نگاه بیندازیم. فرشگرد نهالی برآمده از خشم ملی ایرانیان بود و اکنون پس از ۴ سال فعالیت مستمر خود را قطره‌ای کوچک در دریای خروش ملت ایران می‌بیند.

درواقع فراروی از رویکرد کنش‌گرانه در قالب شبکه فرشگرد به معنای پایان کنشگری سیاسی نیست. بلکه بایستی تاکید کنیم همچنان که فعالیت مبارزاتی و براندازانه علیه جمهوری اسلامی در درون کشور پی گرفته می‌شود و پیش می‌رود، ما نیز در این مقطع از زمان در بیرون از کشور ضرورت کار حزبی - سیاسی را احساس می‌کنیم و بر این اساس و با افتخار آغاز فعالیت حزب ایران نوین را اعلام می‌داریم. تغییر شکل فعالیت از کار شبکه‌ای به کار حزبی نیازمند توضیح بیشتری است که در ادامه در ایضاح آن خواهیم کوشید.

در شبکه فرشگرد از آغاز تاکید کرده بودیم که در این ساختار، رویکرد کنشگرانه خواهیم داشت و از ساختار حزبی دوری خواهیم جست و مشخصاً تاکید کرده بودیم ما یک حزب سیاسی نیستیم بلکه شبکه‌ای برای کانالیزه کردن رویکردهای کنشگرانه در جهت کمک به پروژه براندازی جمهوری اسلامی و نجات میهن باستانی‌مان ایران هستیم. بر این اساس در فرشگرد از تعبیه جایگاه‌های معمول حزبی همچون دبیرکل یا سخنگو تن زدیم و تلاش کردیم همه اعضا در یک سطح وظایف محوله را پیش ببرند.

به عبارت دیگر، در قالب شبکه فرسگرد به ضرورت رویکرد کنشگرانه و شبکه‌ای، استراتژی‌های سلبی دست بالا را داشتند ولی اکنون که به همت ملت ایران و فداکاری‌ها و جان‌فشانی‌ها جوانان میهن، رویکردهای سلبی درجات بسیار بالایی از کامیابی را بدست آورده است، استراتژی‌های ایجابی را لازم‌تر و دارای فوریت بیشتر می‌یابیم و می‌دانیم. به ویژه که مختصات فضای کنونی عرصه سیاست ایران نیز به ما چنین ضرورتی را یادآور می‌شود. بدیهی است که استراتژی‌های ایجابی در عرصه سیاست‌ورزی، در قالب کار و ساختار حزبی بیشتر و بهتر جلوه خواهد داشت.

اگرچه تحزب از اصول و پایه‌های یک دموکراسی سالم و پایدار است ولی در عین حال به این نکته نیز قائل هستیم که کار حزبی در درون کشور است که جلوه واقعی خود را پیدا می‌کند و در بیرون کشور، معنای محصل چندانی نخواهد داشت. چه آنکه جایگاه اصلی بازی احزاب در درون پارلمان و رقابت‌های دموکراتیک با دیگر احزاب در جهت کسب قدرت یا تاثیرگذاری بر معادلات قدرت است.

اما این نکته درست ضرورت پایه‌گذاری یک حزب در بیرون از کشور را به دو دلیل از سوی ما نفی نمی‌کند:

یکم آنکه در طول این سال‌ها به درستی این نکته باور آورده‌ایم که پایه‌گذاری کار حزبی بین کنشگران سیاسی در بیرون از کشور، و شکل‌دهی به تشکیلات سیاسی در قامت حزب و کار شفاف سیاسی، پس از سرنگونی جمهوری اسلامی، می‌تواند به تسریع و تقویت مناسبات دموکراتیک در آغاز روند استقرار نظم جایگزین بینجامد. این نکته‌ای است که شاهزاده رضا پهلوی نیز بارها بر آن تاکید کرده است و از ضرورت شکل‌گیری احزاب در بیرون از کشور بر اساس گرایش‌های گوناگون سیاسی، بارها سخن گفته است.

دوم آنکه گمان ما این است که در این مقطع از زمان که عزم ملت بر برانداختن جمهوری اسلامی جزم‌تر از همیشه است، آنچه بسیار اهمیت دارد، مختصات نظم جایگزین است. بایستی ایمان بیاوریم که برانداختن جمهوری اسلامی به سرانجام خوبی نخواهد رسید اگر یک ایران یکپارچه، آزاد و سکولار- دموکراتیک مقصد ما نباشد.

یکپارچگی ملی و سرزمینی کشور، تضمین آزادی‌های بنیادین ملت، و ضرورت استقرار یک نظم سکولار- دموکراتیک بر پایه رفتارند تعیین نوع نظام، بایستی اصولی فراجزبی و فرامسلکی باشند و بر سر مطلوبیت آن و تضمین آن در قانون اساسی جایگزین، هیچگونه تعارفی با هیچ جریانی صورت نگیرد. این اصول کاملاً در پیوستگی با یکدیگر قرار دارند و جزیره‌هایی منفصل از یکدیگر نیستند. حکمرانی قانون دموکراتیک و چرخش دموکراتیک نخبگان سیاسی، ضامن و مدرسان آزادی‌های بنیادین ملت است و آزادی‌های بنیادین محقق نمی‌شود مگر اینکه سکولاریسم در ایران تضمین شود و همه این‌ها جز در درون یک سامان ملی و سرزمینی ایمن و مستحکم، امکان تحقق ندارد.

شوربختانه و بر خلاف اتحاد و همبستگی ملی چشمگیر ایرانیان در درون کشور، شاهد آن هستیم که در رسانه‌ها، و محافل عمومی، سخنانی از خاستگاه‌های چریکی - تروریستی بر می‌آیند که در مطلوبیت اصول بالا خدشه وارد می‌کنند و با توجه به تعلق خود به گفتمان ۵۷ و اردوگاه‌های سرخ و سیاه از اکنون و بر خلاف خواست قاطبه ملت ایران، تداوم پروژه شوم ۵۷ را منظور دارند. پروژه‌ای که بخش‌های عمده‌ای از ساختار جمهوری تبهکار اسلامی نیز از همین الان تلاش می‌کنند در صورت نابودی قطعی جمهوری اسلامی به برآمدن آن یاری برسانند و برای خود در آن پروژه ضدمیهنی، جایی دست و پا کنند.

اما ما فرزندان ملت ایران اینجا هستیم که در قالب حزب ایران نوین و با تلاش و همراهی ملت ایران، در مسیر تحقق چنین خیال خامی، خلل بیفکنیم. ما پای یکپارچگی کشور، آزادی‌های بنیادین و سکولار-دموکراسی ایستاده‌ایم و نمی‌گذاریم شمشیر ۵۷ بر صورت این سه خواست محترم ملی، زخمی دگر بنشانند.

دفاع از این اصول را در قالب کار حزبی و در قالب حزب ایران نوین شدنی‌تر می‌یابیم. در این مسیر از همه دوستانی که طی ۴ سال فعالیت شبکه فرسگرد، چه در داخل ایران و چه در خارج از مرزها با ما همکاری کردند درخواست می‌کنیم حمایت و همراهی خود را در مرحله‌ای دیگر از کنشگری ما نیز تداوم بخشند و به حزب ایران نوین یاری لازم را برسانند تا بتوانیم نقش خود برای پشتیبانی گفتمانی - سیاسی- تشکیلاتی از رستاخیز ایرانیان را با کیفیت بیشتری پیش ببریم.

پاینده ایران!

۱۸ دی ۲۵۸۱ (۱۴۰۱)

